

## طاق کسری

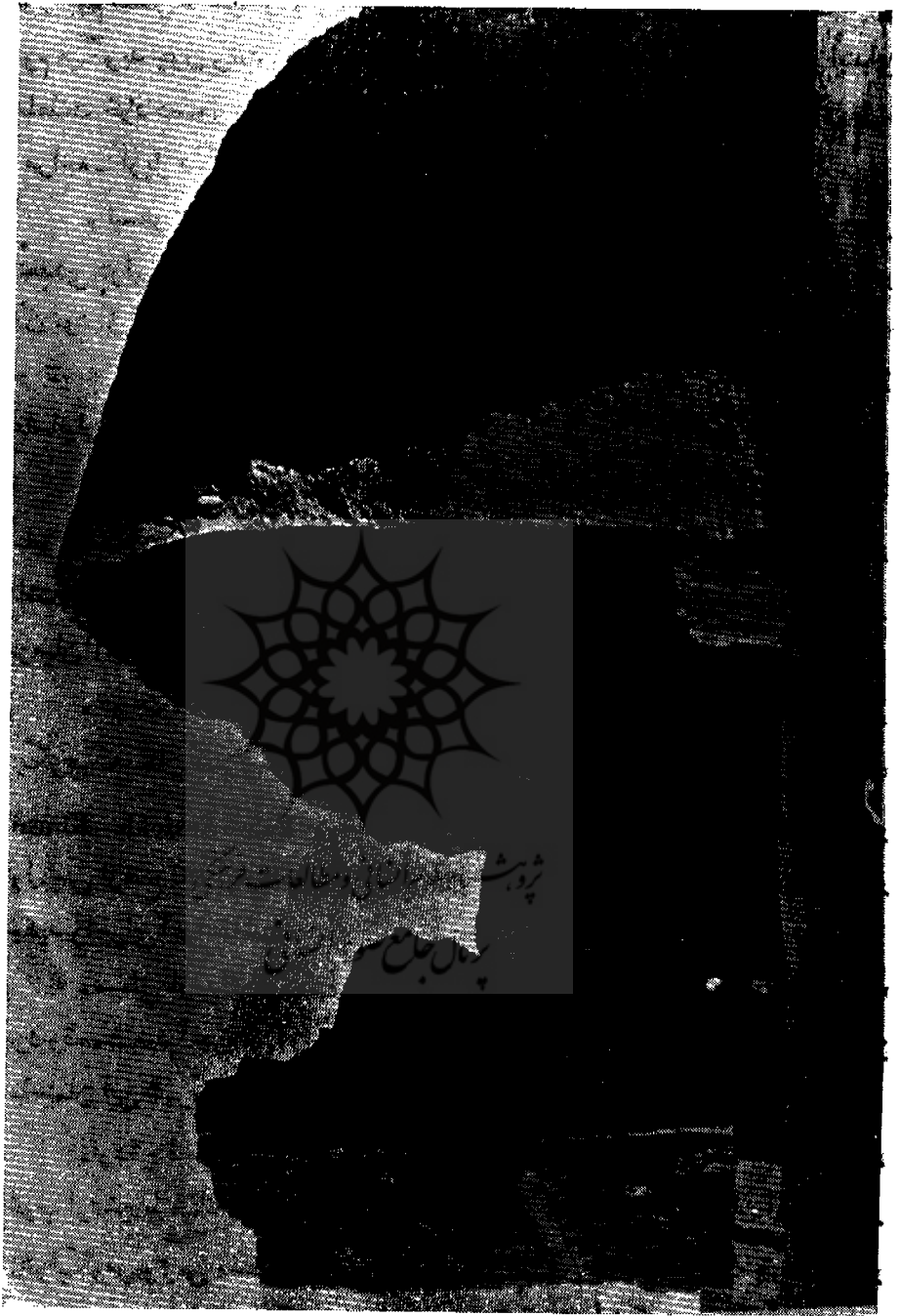
پنجم: آقای عیسی بهنام  
دانشیار باستانشناسی

خرابه های باقیمانده از شهر قدیم تیسفون Ctésiphon را مرحوم ارنست هر تسفلد در II Archâologische Reise, in Euphrat - und Tigris - gebiet , Berlin 1920 p. 46 . sqq . شرح داده و معرفی نموده است .

در ۱۹۲۸ بوسیله هیئتی از آلمانی ها بسر پرستی O . Reuther کاوشهایی در محل تیسفون شروع شد و در ۱۹۳۰ مسیون امریکائی موزه متروپولیتن نیویورک بسر پرستی J. M. Upton با هیئت آلمانی فوق الذکر در کاوشهای تیسفون شرکت کرد . آرتور کریستن سن در کتاب (1936) L' Iran sous les Sassanides از صفحه ۳۷۶ تا ۳۹۰ با استفاده از نتایج کار کاوش کنندگان در تیسفون قبل از تاریخ طبع کتاب خود خلاصه ای از اطلاعاتی را که راجع به این شهر در دست داشته انتشار داده و ما قسمتی از آن اطلاعات را در این مقاله از نظر خوانندگان میگذرانیم :

« پایتخت شاهنشاهان ایران خصوصاً در زمان خسرو اول وسعت و اعتبار یافت و تیسفون *Tespōn* نام شهر عمده ای است که جزو مجموعه ای از چند شهر بود که بزبان شامی *Māhōze* یا *Medhināthā* یا *Medhine* ، ماحوزه ملک یا مذبیناتا یا مذبینه ( شهرها ) مینامیدند و اعراب آنرا به المدائن ترجمه کردند و احتمال دارد که این کلمات ترجمه کلمه پهلوی شهرستانان *Shahrstānān* باشد . شهرهای مهم این مجموعه ، شهر و هاردشیر *Veh - Ardasher* ( سلو قیه قدیم ) و تیسفون بوده است .

« آمین میگوید پایتخت ایران غیر قابل تسخیر بود و از چندین شهر تشکیل شده و حصارهای آنرا احاطه کرده بود و این حصار درهای بسیار محکمی داشت . « تیسفون در مشرق دجله و «وه اردشیر» در مغرب آن قرار داشت و جبری آن



دورا بهم متصل میکرد و فردوسی در شاهنامه خود در ضمن بیان تاریخ سلطنت شاپور دوم میگوید چون رفت و آمد روی این پل روز بروز زیاد میشد شاپور در ابتدای سلطنت خود دستور داد پل چوبی دیگری روی دجله انداختند تا عبور از آن پل، و مراجعت از پل دیگر انجام گیرد.

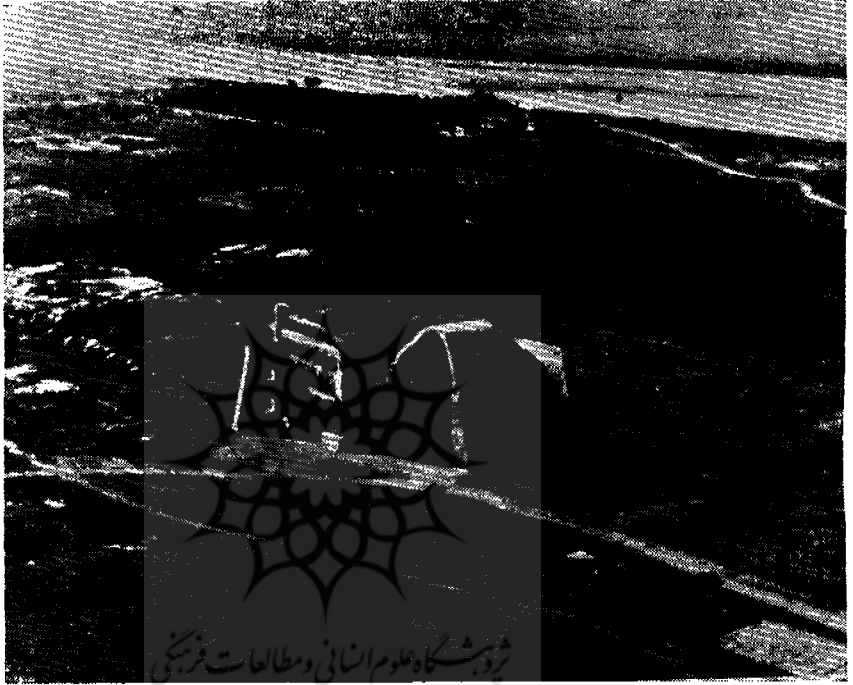
« تیسفون اصلی در مشرق دجله حصارى بصورت نیم دایره‌ای داشت و برجهای متعددی در این حصار بود که آثارشان هنوز باقی است و مجموع زمینی که در زیر آن بود از ۵۸ هکتار تجاوز نمیکرد و آنرا بزبان عربی مدینه العتیقه مینامیدند. در نتیجه کاوشهای سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ در این ناحیه آثار کلیسایی از زمان ساسانیان ظاهر گردیده است.

« در مشرق تیسفون امروز آرامگاهی بنام سلمان پاك وجود دارد که در محله سابق اسپانبر *Aspānbar* واقع است. کاخ شاهنشاهان ساسانی در همین محله قرار داشته و مرکب از حیاط ها و طالارها و باغهایی بوده است که طاق کسرای امروزی در میان آن برپا بوده.

« در جنوب طاق کسری خرابه‌هایی بنام خزانه کسری « *Khaznat Kesrā* و محل دیگری که بستان کسری نامیده میشود، احتمالاً باقی مانده شهر « وه آنتیوخ خسرو» *Veh - Antiokh - Khusrō* میباشد که رومگان *Rumaghān* نیز نامیده میشد و خسرو اول پس از فتح اناکیه عده‌ای از مردم آن شهر را به پایتخت خود انتقال داد و شهر جدید را برای آنها ساخت.

« قسمتی از مدائن را که در مغرب دجله قرار دارد حصارى از آجر احاطه کرده بود و قسمت مهم آجرهای آن از شهر بابل باین محل حمل شده بود و در محل قدیمترین ساختمان این شهر، یعنی سلوسی، بنا شده بود.

« اردشیر قسمتی از آنرا تعمیر کرد و آنرا وه اردشیر نامید (ترجمه کلمه وه اردشیر خوب اردشیر یا خانه اردشیر است) وه اردشیر مرکز عمده مسیحیان ایران و مقر کاتولیکوس، رئیس مذهبی آنان بود و کلیسایی در آن بنا شده بود که بفرمان شاپور دوم خراب شد و بعد از مرگ این پادشاه مجدداً آنرا برپا کردند.



ایوان کسری در کنار دجله .  
 درست چپ دیواری که برای حفظ طاقنما و مانع شدن از  
 خرابی آن زده اند دیده میشود . عکس از سفارت کبرای عراق

« تقریباً دره کیلومتر در شمال و در شیر شهر کوچک در زیندان *Darzanidhān* قرار داشت. در مغرب و در شیر شهری بنام و الاشاباذ *Valāshābādh* واقع بود. بنابراین از مجموع شهرهایی که در زمان خسرو اول پایتخت ایران را تشکیل میدادند امروزه شهر آنرا میشناسیم (تیسفون و رومگان در مشرق دجله، و در شیر (سلوسی) در زیندان و الاشاباذ در مغرب آن).

« اگر محله اسپانیر در مشرق و ماحوزه در مغرب را به شهر فوق اضافه کنیم تعداد شهرهای پایتخت ساسانیان به ۷ میرسد.

« در طرفین رود دجله چند کاخ مخصوص شاهنشاه وجود داشته ولی از همه آنها معروفتر همان «طاق کسری» یا ایوان کسری است که در محله اسپانیر قرار داشته و خرابه‌های آن هنوز باعث تعجب و تحسین است. »  
فردوسی بنای آنرا به خسرو اول نسبت داده :

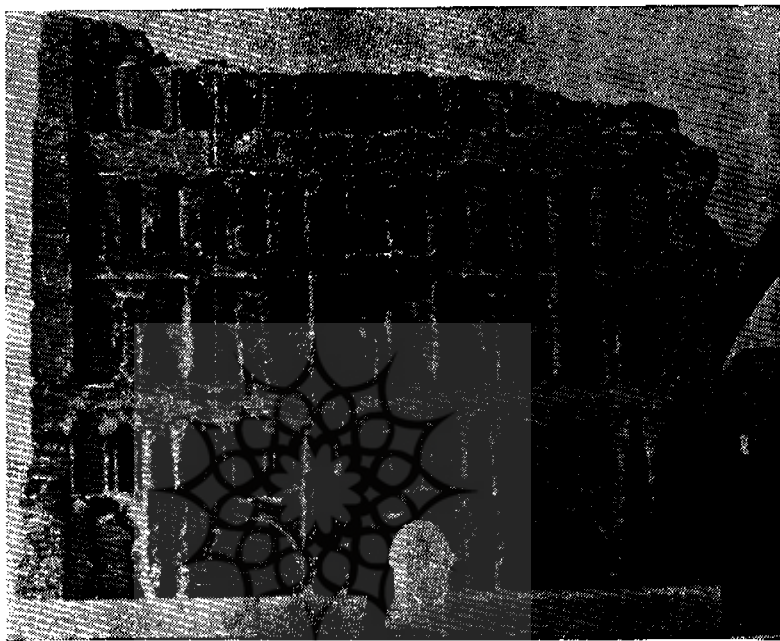
ز ایوان خسرو کنون داستان	بگویم که پیش آمد از راستان
چنین گفت روشندلی پارسسی	که بگذشت با کام دل چارسی
که خسرو فرستاد کسها بروم	بهندو بچین و بسا بساد روم
برفتند کاریگران سه هزار	زهر کشوری آنکه بد نامدار
چو صد مرد بگزید اندر میان	از ایران و اهواز و از رومیان
از ایشان دلاور گزیدند سی	از آن سی دورومی یکی پارسسی
گرانمایه رومی که بد هندسی	بگفتار بگذشت از پارسسی
بدو گفت شاه «این زمن در پندیر	سخن هر چه گویم همه یادگیر
«یکی جای خواهم که فرزندان	همان تا دو صد سال پیوند من
«نشیند بدو درنگردد خراب	ز باران و از برف و از آفتاب»
مهندس پندرفت از ایوان شاه	بدو گفت «من دارم این دستگاه»
چو دیوار ایوانش آمد بجای	بسامد بیش جهان کدخدای



یکی از بدنه‌های داخلی ایوان کسری ( کلیشه بوب )

بتابند باریک تابی رسن  
 پیسود تا خاک دیوار گاه  
 ابا مهر گنجور او را سپرد  
 که دیوار ایوان برآمد بماه  
 نگیرم بدان کار کردن شتاب  
 ز کاریگران شاه بگزیندم  
 چرا خواهی از من توای بدگمان؟  
 بزر و بسیمت نیاید نیاز ،  
 بدادند تا وی نباشد دژم  
 که عیب آورد مرد دانا بدوی  
 اگر بشکند گم کند نان و آب  
 چنان شد کز آن پس کس اورا ندید  
 بگوینده برخشم فرغان بریخت  
 چرا پیش ما در فزونی نمود  
 گنج و سنک و خشت گران آورید  
 ز بوم و بر شاه شد نا پدید  
 همی گوش و دل سوی اهواز داشت  
 نماند چنان کاری سر بسی  
 ندیدند کاریگری را همال  
 بسال چهارم پدید آمد اوی  
 بدو گفت شاه ای گنهکار مرد  
 بگفتار پیش آید آموزشت ،  
 فرستد مرا با یکی استوار  
 یوزش کجا باید آموزشم ؟

بریشم بیاورد تا انجن  
 ز بالای دیوار ایوان شاه  
 رسن سوی گنج شهنشاه برد  
 وزان پس بیامد بایوان شاه  
 « چو فرمان دهد خسرو زودیاب  
 چهل روز تا کار بنشینم  
 بدو گفت خسرو که «چندین زمان  
 نباید که داری تو زین دست باز  
 بفرمود تا سی هزارش درم  
 بدانست کاریگر راستگوی  
 اگر گیرد از کار ایوان شتاب  
 شب آمد شد آن کارگر نا پدید  
 چو بشنید خسرو که فرغان گریخت  
 چنین گفت « کورا که دانش نبود  
 دگر گفت کاریگران آورید  
 بجستند هر کس که دیوار دید  
 بیچارگی دست از آن بازداشت  
 کز آن شهر کاریگر آید کسی  
 همیجست استاد آن تا سه سال  
 بسی یاد کردند از آن کارجوی  
 همانگاه رومی بیامد چو گرد  
 « بگو تا چه بود اندرین بوزشت  
 چنین گفت رومی که «گر شهر یار  
 « بگویم بدان کارها بوزشم



قسمت خارجی طاقنمای ایوان کسری . عکس از پوپ

پرتال جامع علوم انسانی

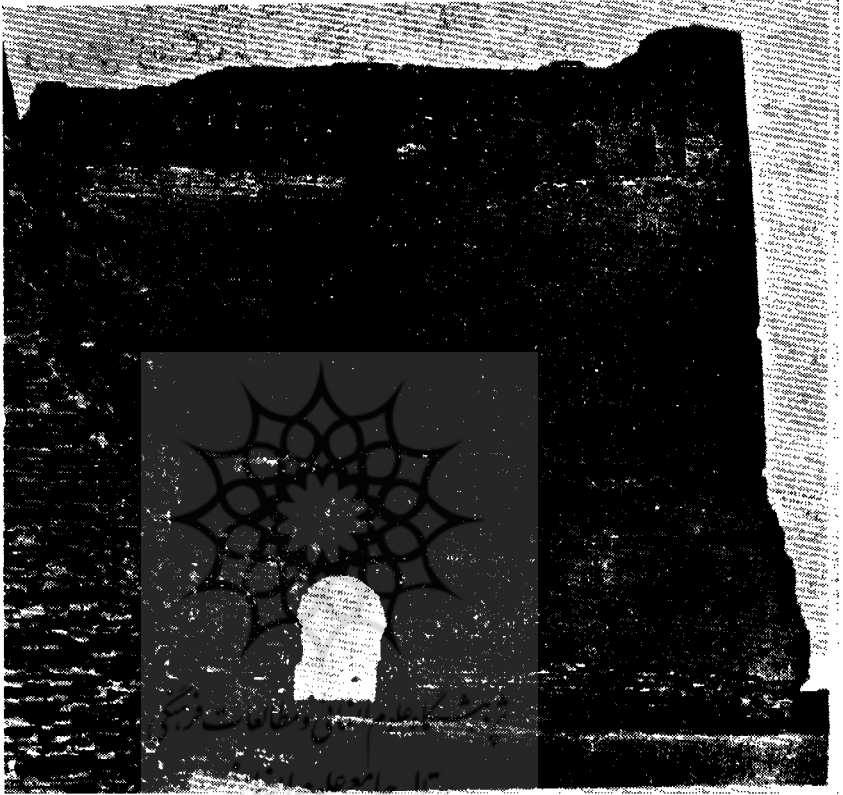


فرستاد و رفتند از ایوان شاه  
 همی برد دانای رومی رسن  
 پیمود بالای کار و برش  
 چنین گفت رومی که گرزخم کار  
 نه دیوارماندی نه طاق و نه کار  
 بدانست خسرو که اوراست گفت  
 چوشد هفت سال آمد ایوان بجای  
 مر او را بسی آب داد و زمین  
 همی کرد هر کس بایوان نگاه  
 کسی در جهان کاخ چونان ندید  
 یکی حلقه از زر همه ریختند  
 فرو هشته زو سرخ زنجیر زر  
 چو رفتی شهشاه بر تخت عاج  
 بنوروز چون بر نشستی بتخت  
 فرو تر ز موبد مهسان را بدی  
 بزیر مهان جای درویش بود  
 بر آنسان بزرگی کس اندر جهان

گرانمایه استاد با نیکخواه  
 همان مرد را نیز با خویشتن  
 کم آورد کار از رسن هفت رش  
 بر افزودمی بر سرای شهریار  
 نه من ماندمی بر در شهریار  
 کسی راستی را نباید نهفت  
 پسندیده مردم نیک رای  
 درم داد و دینار و کرد آفرین  
 بنوروز رفتی بدان جای شاه  
 نه از نامور کار دانان شنید  
 از آن جای خرم در آویختند  
 بهر مهره در فشانده گهر  
 بساویختندی بزننجیر تاج  
 بنزدیک او مردم نیکبخت  
 بزرگان و روزی دهان را بدی  
 کجا خوردش از کوشش خویش بود  
 ندارد بیاد از کهان و مهان

« هیئت کاوش کنندگان آلمانی اظهار کرده اند که ایران بزرگی که امروز پابرجا است بامر خسرو اول ساخته شده . مجموع این کاخ و ساختمان های فرعی آن در زمینی بوسعت  $۴۰۰ \times ۳۰۰$  متر قرار گرفته و مرکب است از ایوان و آثار بنای دیگری در فاصله ۱۰۰ متر از آن و تپه مصنوعی کوچکی بنام حرم خسرو، در جنوب ایوان، و در شمال آن خرابه های یک گورستان .

و ایوان کسری مهمترین قسمتی از مجموع کاخ تیسفون است که امروز برپا است . نمای آن بطرف مشرق است و  $۲۹/۲۸$  متر ارتفاع دارد و عبارت بوده است از دیواری



قسمت داخلی طاقنما . عکس از پوپ

بدون پنجره که طاقنماهایی در سرتاسر آن ساخته شده و بین طاقنماها نیم ستونهایی در طرفین قوسهای هلالی وجود دارند. مجموع این طاقنماها و قوسها و نیم ستونها در چهار طبقه از پایین به بالا گنجانیده شده. احتمالاً روی این بنای آجری را بوسیله گچ سفید کرده بودند و بعضی از قسمتهای آنرا رنگ زده بودند و در بعضی قسمتهای دیگر روپوشی از سنگ مرمر ظاهر نمای بنا را میپوشانده است.

« تا تاریخ ۱۸۸۸ تمام نمای این بنا برپا بود و نقشی از آن در کتاب دیولافوآ کشیده شده Dieulafoy, l'art antique de la Perse. در همین سال قسمت شمالی ایوان بزرگ خراب شد و اکنون برای قسمت جنوبی ایوان نیز خطر از بین رفتن در بین است.

« ایوان بزرگ بصورت گهواره بیضی شکل در میان نمای بنا قرار گرفته و عرض آن ۶۳، ۲۵ متر و طول آن ۷۶، ۴۳ متر است.

« در پشت دیوارهای طرفین ایوان پنج تالار کم ارتفاع تر از ایوان مرکزی با طاق گهواره‌ای شکل ساخته شده بود در طرفین ایوان طاقهای متعدد دیگری وجود داشته. ضخامت دیوارهای آجری بطور کلی بسیار زیاد است، در داخل تالارها تزئیناتی بصورت گچ بری وجود داشته که تعداد زیادی از آنها در حفاری هیئت آلمانی پیدا شده. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« زیبایی ایوان کسری بیشتر از نظر عظمت آن است. این خرداد به آنرا بکوهی تشبیه کرده که در آن کاخی تراشیده باشند.

« میگویند خلیفه المنصور اولین کسی است که دست بخرابی آن زد و از مصالح آن برای ابنیه شهر جدید بغداد استفاده کرده. ظاهراً علت اینکه تمام مصالح آن بکار نرفته این بوده است که پس از چندی بنظر رسیده است که خراب کردن و حمل مصالح از ارزش حقیقی آن مصالح تجاوز میکند و از استفاده از آن صرف نظر کرده اند.

این خلاصه اطلاعاتی بود که از کتاب کریستن سن نقل شد و نگارنده اطلاعات

مفصل‌تری در کتاب دیگری ندیده است. متأسفانه بکتایی که هیئت حفاری آلمانی و هیئت امریکائی درباره شهر تیسفون نوشته‌اند دستری پیدا نشد. از نظر اصول ساختمانی وجود طاق کسری مطالبی چند را برای علاقه‌مندان بتحول سبک ابنیه روشن مینماید:

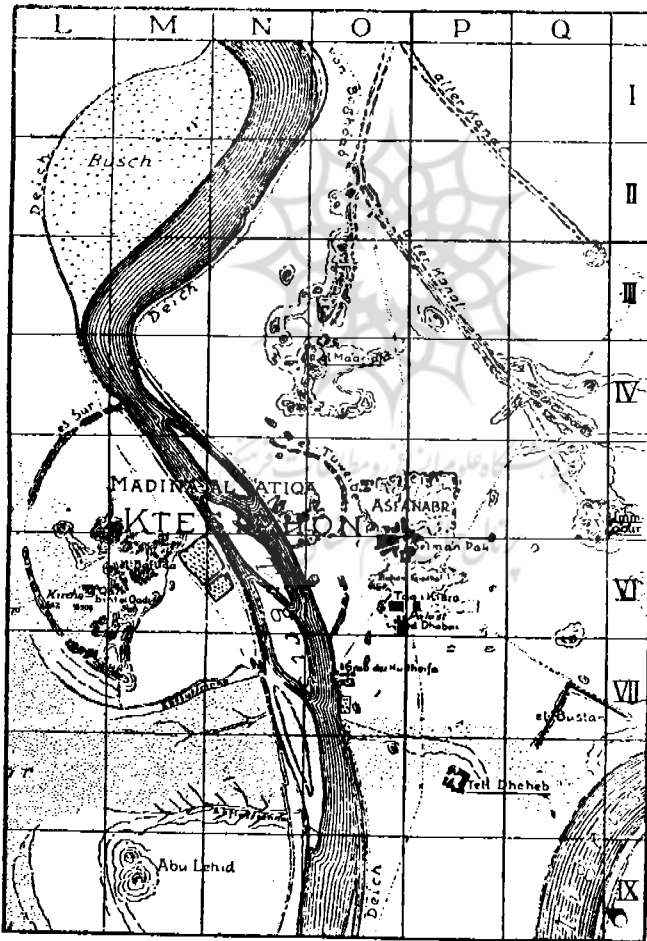
ابنیه زمان هخامنشی تماماً از ستونهای سنگی و سقف افقی ساخته میشد و با وجود مصالح فراوان که برای بالا بردن آن مصرف میشد نسبت بینائی مانند طاق کسری نواقص بسیار داشت. مثلاً در کاخ عظیمی چون کاخ آپادانای تخت جمشید تقریباً يك دهم بنا را پایه‌های قطور ستونها اشغال کرده بودند و طالار آپادانا بیشتر شباهت بجنگلی پیدا کرده بود که در آن درختهای عظیمی قرار داده باشند. روشنائی در چنین طالاری بزحمت وارد میشد و روزهای «بارعمومی» عده‌ای از حضار ناچار در پشت ستونها قرار میگرفتند و از دیدن شاهنشاه محروم میماندند.

چنین فرض کرده‌اند که روشنائی از بالای بام وارد طالار میشد ولی باین حال باز قسمتهائی از طالار در تاریکی قرار میگرفت. بنابراین با ایجاد ایوانی مانند ایوان کسری معماران زمان ساسانی مسائل بزرگی را از قبیل پوشاندن طالار بسیار بزرگی با مصالح سبک و ارزان، و روشن کردن آن، و افزودن بروسعت طالار بوسیله حذف ستون، و بر ارتفاع آن بوسیله ایجاد طاق مرتفع بیضی شکل، حل کرده‌اند.

ضمناً حل مسائل مهم دیگری نیز با ایجاد ایوان ساسانی آسان گردیده، مثلاً در سقف افقی کاخ هخامنشی خطر حریق و موربانه وجود داشت و حال اینکه در کاخ ساسانی هر دوی این خطرها از بین رفته و ضمناً با سبک شدن مصالح از سنگینی بنا کاسته شده و در حقیقت سنگینی طاق بفشار مختصری در جهت طرفین مبدل گشته و این فشار را روی دیوارها و پایه‌های ضخیمی وارد آورده‌اند که آنرا تا امروز با وجود نامایمات طبیعت تحمل نموده است.

فردوسی ساختمان طاق کسری را بمعمار رومی نسبت داده ولی طاق کسری با عرض و طول کمتر در دو محل در ناحیه فارس بنام «فیروز آباد» و «سروستان» در زمان اردشیر اول موقعیکه هنوز بشاهنشاهی ایران نرسیده بود بنا شده که قسمت مهمی

از آن هنوز برپاست و قابل مقایسه با ایوان کسری میباشد و در ساختمان آن بدون شك معمار رومی دخالت نداشته . بعلاوه طاق بیضی شکل اختراع منحصر به معماران ایرانی است و در هیچ نقطه دیگری از عالم دیده نشده .  
بنائی که تقریباً هم‌دوره با طاق کسری است و معماران رومی آنرا بنا کرده‌اند کلیسای سن صوفی در شهر قسطنطنیه است اگر چه این کلیسا دارای گنبد مرتفع و عظیمی بوده و خود یکی از شاهکارهای معماری قدیم است ولی واقعاً شباهت نزدیک از هیچ جهت با ایوان کاخ شاهنشاهان ایران ندارد ، بنابراین باید طاق کسری را بمنزله یکی از اختراعات معماران ایران در قدیم بحساب آورد .



( نقشه تیسفون از کتاب کریستسن )